

بررسی دلالت نهی بر فساد در

معاملات

از نگاه وحید بهرمانی و شیخ انصاری و آخوند خراسانی

محمد تقی محمود بابوئی

سرشناسه	: محمود بابوئی، محمدتقی، ۱۳۵۱-
عنوان و نام پدیدآور	: بررسی دلالت نهی بر فساد در معاملات از نگاه وحید بهبهانی و شیخ انصاری و آخوند خراسانی/محمدتقی محمودبابوئی.
مشخصات نشر	: قم: میراث ماندگار، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۲ ص.
شابک	: ۵۰۰۰۰ روال ایف: یسیون ترهف تیعضو --۷۷۲-۰۰-۳۱۴-۶۰۰-۹۷۸
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۶۰-۱۶۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل، ۱۲۰۵-۱۱۱۸ق. -- دیدگاه درباره قاعده دلالت نهی بر فساد
موضوع	: انصاری، مرتضی بن محمدامین، ۱۲۱۴ - ۱۲۸۱ق. -- دیدگاه درباره قاعده دلالت نهی بر فساد
موضوع	: آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین ۱۲۵۵ - ۱۳۳۹ق. -- دیدگاه درباره قاعده دلالت نهی بر فساد
موضوع	: قاعده دلالت نهی بر فساد
رده بندی کنگره	: ۳/BRP۵۵ - رده بندی دیویی: ۹۹۸/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۷۵۵۶۸۳ - اطلاعات رکوردشناسی: فیبا

نام کتاب: بررسی دلالت نهی بر فساد در معاملات از نگاه وحید بهبهانی و

شیخ انصاری و آخوند خراسانی

مؤلف: محمدتقی محمودبابوئی

ناشر: میراث ماندگار

صفحه آرای: سیدعلی حسینی

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰

تیراژ: ۲۰۰ نسخه

چاپخانه: صفری

قیمت: ۸۵,۰۰۰ تومان

شابک: ۷۷۲-۰۰-۳۱۴-۶۰۰-۹۷۸

مرکز پخش:

قم، ساختمان ناشران، طبقه سوم، پلاک ۳۱۸

انتشارات میراث ماندگار: ۳۷۸۴۲۳۹۸ - ۰۲۵

فهرست مطالب

مقدمه.....	۹
------------	---

بخش اول: مفاهیم و کلیات/۱۵

فصل اول: مفاهیم.....	۱۶
دلالت در لغت.....	۱۶
دلالت در اصطلاح.....	۱۷
تحقیق و بررسی شهید صدر در رابطه با دلالت.....	۱۸
اقتضا در لغت.....	۲۵
معنای اصطلاحی اقتضاء.....	۲۶
نهی در لغت.....	۲۹
نهی در اصطلاح.....	۲۹
تحقیق و بررسی محقق خوئی در رابطه با معنی نهی.....	۳۱
فساد در لغت.....	۳۵
فساد در اصطلاح.....	۳۶
صحت در لغت.....	۳۸
صحت در اصطلاح.....	۳۹
صحت و فساد دو عنوان اضافی.....	۴۳
مجموعیت صحت و فساد.....	۴۵
معامله در لغت.....	۴۷
معامله در اصطلاح.....	۴۷

فصل دوم: کلیات..... ۵۱

گفتار اول: اصولی بودن مسأله دلالت نهی بر فساد..... ۵۱

گفتار دوم: عقلی و لفظی بودن مسأله دلالت نهی بر فساد..... ۵۳

بخش دوم: اقسام نواهی و معاملات ۵۹

فصل اول: اقسام نواهی..... ۶۰

تقسیم اول: تشریعی و تکوینی..... ۶۰

نهی تکوینی..... ۶۰

نهی تشریعی..... ۶۱

تقسیم دوم: ارشادی و مولوی..... ۶۱

نهی مولوی..... ۶۲

نهی ارشادی..... ۶۲

فرق بین نهی ارشادی و نهی مولوی..... ۶۴

بیان برخی از مصادیق نهی ارشادی در معاملات..... ۶۴

تقسیم سوم: تحریمی و تنزیهی..... ۶۵

نهی تحریمی..... ۶۵

نهی تنزیهی..... ۶۵

تقسیم چهارم: نفسی و غیره..... ۶۶

نهی نفسی..... ۶۶

نهی غیره..... ۶۷

تقسیم پنجم: اصلی و تبعی..... ۶۸

نهی اصلی..... ۶۸

نهی تبعی..... ۶۹

فصل دوم: تقسیمات معاملات..... ۷۱

تقسیم اول: عقود و ایقاعات و احکام..... ۷۱

عقود..... ۷۱

ایقاعات..... ۷۲

۷۳.....	احکام
۷۴.....	تتمه
۷۷.....	تقسیم دوم: سبب و مسبب و تسبب
۸۰.....	فصل سوم: نهی از آثار معاملات

بخش سوم: بررسی اقوال و ادله

۸۶.....	فصل اول: مقتضای اصل در صورت شک در استتباع نهی از فساد
۸۷.....	گفتار اول: مقتضای اصل لفظی
۸۷.....	اصل لفظی در مسأله اصولیه
۸۸.....	اصل لفظی در مسأله فقهی
۸۹.....	گفتار دوم: مقتضای اصل عملی
۸۹.....	اصل عملی در مسأله اصولیه
۹۳.....	تعریف استصحاب عدم ازلی
۹۵.....	اصل عملی در مسأله فقهیه
۹۸.....	فصل دوم: اقوال و ادله اعظم ثلاثه محقق بهبهانی و شیخ انصاری و آخوند خراسانی
۹۸.....	گفتار اول: محقق بهبهانی
۹۸.....	مقام اول به حسب مقتضای عقل
۱۰۶.....	مقام دوم به حسب ادله نقلیه و روایات
۱۱۰.....	گفتار دوم: شیخ انصاری
۱۱۰.....	مقام اول به حسب مقتضای عقل
۱۱۵.....	مقام دوم به حسب ادله نقلیه و روایات
۱۲۳.....	گفتار سوم: آخوند خراسانی
۱۲۳.....	بررسی مسأله به حسب مقتضای عقل و فهم عرف
۱۲۷.....	بررسی مسأله از نظر ادله نقلیه و روایات
۱۳۱.....	بازبینی و موشکافی در معنای روایت
۱۳۷.....	فصل سوم: اشتراکات و افتراقات

بسم الله الرحمن الرحيم
نحمده على آلائه و نصلی علی خاتم النبیین محمد
و آله الطاهرين المعصومين

مقدمه

فقه‌اء در راه استنباط احكام فقهی، خود را نیازمند متدی یافتند که بتواند راهگشای آنان در این مسیر ناهموار گردد. آنان هنگامی که برای نخستین بار به موشکافی در ادله دست زدند دچار تشتت آراء و تضاد نظرات فقهی شدند. اختلافات دامنه‌دار فقهی آنان را می‌آزرد و در فکر چاره‌جویی برمی‌آورد، سرانجام دانستند که باید، معیار و روشی بر پایه‌ی ارزش‌های شناخته شده و پذیرفته به وجود آورند تا در مقام استنباط و بررسی ادله فقهی به کار گیرند تا از لغزش و انحراف محفوظ بمانند. پیدایش این اندیشه و احساس این نیاز، منجر به آفرینش قواعد علم اصول فقه گردید.

علم اصول فقه تنها علمی است که راه استدلال درست برای اثبات حکم شرعی را به ما می‌آموزد و این فایده بزرگی است که هیچ فقیهی نمی‌تواند در راه استنباط احكام شرعی، خود را بی‌نیاز از آن احساس کند.